

تأملی در دفاعیات صائن‌الدین علی ترکه‌ اصفهانی

(درگذشته ۸۳۵ ه. ق)

دکتر فوجی‌ای موریو*

چکیده

اندیشمند وارسته قرن نهم، صائن‌الدین علی ترکه‌ اصفهانی در دوره سقوط شعر کلاسیک فارسی می‌زیست. او که زوایای اندیشه‌اش آراسته به عرفان بود در دفاعیات خود امکانات احیای روحیه نقادانه نخبگان علم را به ما عرضه می‌کند. دید تحلیل‌آمیز صائن‌الدین، حقیقتاً نسبی بودن اسامی یا عناوین محوّل بر اندیشه‌وران «کفر» را در جامعه به ما خبر می‌دهد. محتوای فکری، دیدگاه عرفانی و جنبه‌هایی از دفاعیات او شایسته بررسی و شناخت می‌باشد.

کلیدواژه: صائن‌الدین علی ترکه اصفهانی، رساله اعتقادات نفثة المصدور اول، نفثة المصدور دوم.

عصر شاهرخ تیموری (۸۰۷-۸۵۰ ه. ق.) که در حوزه تاریخ ادب فارسی، دوره آغاز افول و انحطاط شعر کلاسیک فارسی شناخته شده است، از نظرگاه تحولات و تکامل اندیشه ناب متفکران ایرانی همچنین دوره آغاز شکل‌گیری تلفیق و انطباق فلسفه و

E-mail: fuji.morio@tufs.ac.jp

*. عضو هیئت علمی دانشگاه مطالعات خارجی توکیو.

تصوف و اشراق در درون محیط فرهنگی تشیع بشمار می‌آید. ظهور «حکمت متعالیه» که در دوره صفویه ثمرهای آن به بار می‌نشیند، در چارچوب منظومه فکری اندیشمندان متمایل به «عرفان» این عصر شکل گرفته است.

صائن‌الدین علی ترکه اصفهانی یکی از اندیشه‌گران برجسته این عصر و منبع اصیل این گرایش عرفانی است. از منابع معتبر تاریخ چنین بر می‌آید که این متفکر کم نظیر عصر با آن همه فضل و دانش و تسلط بی‌همتا در علوم قدیمه و غریبه (بخصوص علم حروف)، چنانکه رسم زمانه است، در طول زندگی از بدخواهی و اغراض حسودان و بداندیشان هرگز در امان نماند. صائن‌الدین در دفاعیاتی که در اعتقادات، نفیة‌المصدور اول، و نفیة‌المصدور دوم، به شاهرخ و بعد از حادثه احمد لر، به میرزا بایسنغر به فارسی نوشته، حقائق بسیاری از موقعیت اجتماعی و فرهنگی، همچنین عناصر تعیین کننده سرنوشت نخبگان علم آن عصر را بیان کرده است.

جدول مختصر تاریخ تألیف نوشته‌ها و حوادث

مربوط به دفاعیات صائن‌الدین

< 1368-69/۷۷۰: تولد صائن‌الدین >

ذی حجه	1404/۸۰۶	: شرح نظم الدر
۱۷ رمضان	1425/۸۲۸	: انزلیه (اشاره به «مهدی» بعنوان خاتم محبوب)
ربیع الاول	1426/۸۲۹	: رساله شق قمر و ساعت (احتمال آغاز گرفتاریها)
۱۶ جمادی الاول	1426/۸۲۹	: رساله اعتقادات
۸ رجب	1426/۸۲۹	: نفیة‌المصدور اول، خطاب به شاهرخ
۲۳ ربیع الآخر	1427/۸۳۰	: حادثه احمد لر، سوء قصد یکی از مریدان فضل‌الله حروفی به جان شاهرخ
	?	: نفیة‌المصدور دوم، خطاب به بایسنغر
	/۸۳۰	: التمهید فی شرح قواعد التوحید (تمهیدالقواعد): شرح به روش ابن عربی
	1427-28/۸۳۱	: تحفة علائیه
	1429-30/۸۳۳	: المفاحص (اشاره به علم احصائی و حضرت علی‌الرضا)
	1431-32/۸۳۵	: وفات صائن‌الدین >

۱. اتهام اصلی صائن الدین چنان که از نوشته‌هایش بر می آید، عدول از طریقه سنت و جماعت و گرایش به تشیع و تصوف، و روابط با فرقه حروفیه می باشد، اما چنانچه در نفته المصدور اول و نفته المصدور دوم و گزارشی از قضیه میرزا اسکندر، حاکم اصفهان، و مولانا معروف خطاط و قاسم انوار به ارتکاب حروفیه، دیده می شود (حبیب السیر از خواندمیر، جلد سوم، ص ۶۱۷)، چه بسا این اتهامات، در اصل، جنبه سیاسی داشته و پایه و اساس آن اختلاف نظر و درگیری‌های شخصی بوده و بظاهر پوشش و رنگ مذهبی گرفته است. صائن الدین این «اتهامات» را «این فتنه» خوانده است و احتمالاً اشاره او به اینکه «چیزی از سخن مشایخ نبشته است فلانکس، در بیست سال پیش از این» اشاره به همین گونه درگیری‌های فکری است.

بعد از حادثه احمدلرنام (از مریدان فضل الله حروفی) که قصد جان شاهرخ کرد، روش قلم صائن الدین در نوشته‌های دفاعی‌اش رنگ دیگری پیدا می کند. اینجا برای این که از محیط اجتماعی عصر او تا حدی آگاه باشیم، اول، نگاهی به محتوای فکری نفته المصدور دوم که بعد از حادثه احمدلر خطاب به میرزا بایسنغر نوشته شده می اندازیم و بعد به مطالب ویژه اندیشه و ادب می پردازیم.

تفاوت عمده کیفیت بیانی نفته المصدور دوم با دفاعیات قبل از «حادثه احمدلر» را بخصوص در افزایش درجات عناصر واقعی اجتماعی می بینیم که با شعور خودآگاهی «نخبه سالاری» به عنوان سرآمد علوم عصر همراه بود. بیان صائن الدین اعتبار علمی و شهرت و طبیعتاً مقام مهم او را در جامعه عصرش می رساند. از قلم خود او معلوم می شود که عقاید و انتقادات و بیانات او از اعتبار و ارزش بسیار برخوردار بوده تا جایی که باعث حساسیت سیاسی از سوی حکام گردیده بود:

طالب علمی (صائن الدین) که نبشته‌های او همراه صبا و شمال به جناح دلپذیری و قبول، اقطار و اکناف جهان را فرو گرفته باشد و قصاد از هندوستان و روم جهت نسخه رسایل و تالیف او فرستند و طلبند و شاگردان او اطراف ممالک مثل شیراز و سمرقند و روم و هند، میان دانشوران مشار الیه اند.

(۲۰۹-۲۱۰)

لحن انتقاد صائن الدین نسبت به «آن جماعت» (جمعی که «دکان مشیخت» واکنند، (۲۱۲) اینجا بسیار شدید است. استفاده از غزل «لاله ساغرگیر و نرگس مست و بر من نام فسق» از حافظ (۲۱۵) بیش از هر چیز بیانگر واقعیات اجتماعی این عصر است که

در ضمن، نبوغ صائِن‌الدین را در درک و دریافت این واقعیات منعکس می‌کند؛ بخصوص، انتقاد علنی صائِن‌الدین به «طایفه طلبه» معطوف می‌شود.

طایفه طلبه بیشتر به امراض روحانی مثل حسد و بغض و بخل و غیره مبتلا می‌باشند و بی‌تقیه و تهذیب نفس مشغول به تناول غذا که عبارت از علم است می‌شوند، هر آینه به تراکم آن امراض مبتلا شوند. (۲۱۰)

اشارات صائِن‌الدین به این «فتنه» در شرایطی که او را «ده طفل و عورتی چند ملازم بودند» گوشه‌هایی از زندگی او را به روشنی گزارش می‌کند و پیدا است که این اشاره بی‌ارتباط به نویسنده مرصادالعباد نجم‌الدین رازی که از مهلکه حمله مغول جان سالم به در برده بود، نیست.

یک صباح جمعی صلحا و عزیزان را طلبید و نسخه صحیح بخاری در میان نهاده و در کیفیت ختم آن جهت سلامتی از این واقعه مشورت می‌کند که شخصی از قلعه رسید که ایلچی آمده است و به حضور شما احتیاج دارند جهت مشورتی، ضرورت شد روان شدن همان بود دیگر نه خانه را دید و نه یاران را و نه فرزندان و عیال مگر بدترین اوضاع و احوال.

بارید به باغ ما تگرگی وز گلین ما نماند برگی (۲۰۵)

گزارش‌های صائِن‌الدین از آوارگی‌هایش در شهرها، از همدان، تبریز - که «از اذیت‌هایی از ترکمنان خالی نبود» - و گیلان و سمنان گرفته تا نطنز و هرات هم کلاً واقع‌بینانه است. در اینجا، انعکاس‌هایی از واقعیات فساد بیمارگونه جامعه عصر صائِن‌الدین، بخصوص، فساد «اخلاقی» مشاهده می‌شود که به گفته صائِن‌الدین، جز «مرض روحی رخنه‌دار در جامعه» نیست.

غرض که هیچ کس را از اعیان مشهوران جهان طمع این نبوده که از غایله زیان اقران زمان خود سالم باشد. (۲۱۰)

۲. در دفاعیات صائِن‌الدین، اعتقادات و نفته‌المصدور اول، که به خاطر رفع ارتکاب اتهامات کفر از طرف علماء، خطاب به شاهرخ نوشته شده مطالبی دیده می‌شود که در تاریخ اندیشه و ادب ایران جایگاه بسیار باارزشی دارد و مسلماً جای دارد مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۱. اشاره صائِن‌الدین به عدم امکانات ادراک حقائق مخصوص «درویشان» طریقت. علم کشفی و ذوقی که فقط برای کسی «تمام» و «گزیده و خاص» باشد، دسترسی

به درک و شناخت آن ممکن می‌گردد، در اصل، معیاری است که اساس تشخیص و تفاوت بین اهل حقائق (یا خواص) با عوام می‌گردد. در دفاعیات صائِن الدین، این اصول «راز خاص گفتن فقط با خاص» (شرح تعرف) در قالب عرفانی با شعور «خود آگاهی نخبه سالاری به عنوان سرآمد علوم عصر» همراه می‌شود. صائِن الدین که در دفاعیات، خود را اهل سنت و جماعت توجیه می‌کند، به روشنی و به کرات بر ضرورت «تشخیص» اهل ظاهر و «سالک» تأکید می‌کند.

سبب آنکه این طایفه منکر می‌باشند درویشان را، آن است که علمی چند مشکل از آثار انبیاء و رموز اولیاء بر روی روزگار مانده، دست فهم هر کس به دامن ادراک آن نمی‌رسد، و به غیر از زیرکان هوشمند که به جنس متابعت و پیران طریقت این راه را سپرده به پایمردی رفیق توفیق بعد از ریاضت‌های بی‌شمار و علوم بسیار که حاصل کرده تیزکام فکر را در این میدان توانند دوانید دیگری را مجال ادراک آن نمی‌باشد. (۲۲۳، اعتقادات).

به سخن هر کس از این راه نباید رفتن (۲۴۴، اعتقادات)

این همه سخن صحابه و تابعین است که دلالت می‌کند که بدانکه علم پسندیده ایشان، پنهان است از ادراک مردم. (۱۸۶، نفثة المصدور اول)

گزارش صائِن الدین به «رمز» و «علم» نشانه اعتقادات «اشراقی» و «احصایی» و «حروفی» (اصل احصایی) اوست و از دیدگاه او «اذواق اولیای حق» باید مقدس و منزّه باشد از هر چه در عقل گنجد.

صائِن الدین متکی به قول حکیم ترمذی، حرف‌هایی را ذکر کرده است که جنبه مشترک فکری او با اندیشه‌ها و تعالیم عین‌القضات همدانی را می‌رساند. در کلمات اهل بصیرت و عرفان متشابهات بود و «فهمه الحقیقی موقوف علی طور وراء العقل». (۱۸۹، نفثة المصدور اول)

در شکوی الغریب دفاعیات معروف عین‌القضات می‌بینیم که اعتراف به «طور وراء العقل» از اسباب اذیت نبوغ بارع اندیشه ایران گردیده است. بما نظر گرفتن خصوصیات موضوعی «دفاعیات» را که اساس آن توجیه جایگاه اعتقادی خود باشد، ذکر «طور ورائ عقل» معضلات و پیچیدگی درونی صائِن الدین را می‌رساند. اینجا هم امتیاز «خاصان» را علناً سخن می‌راند.

کسی را قوت فهم آن باشد که از محصوره عادات اهل رسوم خلاص شده

باشد و قانون پسندیده لغات را ملغی دانسته، از راه کوچۀ نجات منصرف گشته باشد و سخن را میرا از این رسوم جعلی فهم کند.
در جهان هر چه کرده‌اند عوام نزد خاصان رسوم و عادات (۲۳۵، اعتقادات)

ب. برداشت صائن‌الدین از «تأویل»

در رسالۀ اعتقادات، تفسیر و گاهی «تأویل» تمثیل گونه‌ئی از احادیث دیده می‌شود. اما در رسالۀ اعتقادات، به نظر می‌رسد که اصطلاح «تأویل» با مفهوم منفی بکار می‌رود:

چنانچه در بیان عقیده بدان اشارتی شده او را روشن گردد، بی‌ارتکاب تأویل و التزام تعسفات آن. (۲۴۲، اعتقادات)

در این رساله، صائن‌الدین از واژه «تأویل» گویا محتاطانه دوری جسته است، و در مواردی که نیاز به نوعی «تأویل» حس می‌کند، عباراتی نظیر «لطایف و اشارات»، «به (زبان رمز)»، «(زبان اشارت)» را بکار می‌گیرد که به گفته خودش «بدین زبان اشارت به علمی دیگر می‌شود از این علوم». این نوع «دست به تأویل گشادن در نهی تأویل»، همان روش رشیدالدین میبیدی در کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار و مولانا در مثنوی را یاد می‌آورد.

اما صائن‌الدین در نفثة‌المصدر اول، رسم احتراز از اصطلاح «تأویل» را کلاً رها کرده و به توجیه و تأویل «سخنان مشایخ» می‌پردازد.

هر چه سخنان مشایخ صوفیه است اولاً قابل توجیه و تأویل است و ائمه فقه بر این‌اند که اگر سخنی چند وجه باشد که همه کفر باشد و یک وجه باشد که آن کفر نباشد مفتی را میل بدان وجه می‌باید کرد و حکم بر کفر نکرد.

(۱۷۴، نفثة‌المصدر اول)

به اعتبار مفهوم «تأویل» دارای درجات گوناگون آن است و به نظر می‌رسد که ضروری است که هر موضوع مستقلاً مورد تحلیل قرار گیرد.

بررسی دفاعیات صائن‌الدین هم‌نگاهی محققانه به ارتباط محیط جامعه با روند تکوین اندیشه و آثار ادبی در عصر صائن‌الدین فراهم می‌آورد، هم امکانات احیای روحیه نقادانه نخبگان علم یا نبوغ درخشان ایران را به ما عرضه می‌کند. در آخر، دید بسیار عمیق صائن‌الدین به وضع اجتماعی هم‌عصر او ارائه می‌شود.

چون زبان طعن عیب‌جویان هرکس را نامی می‌نهند و جامه نام و ناموس هر کس می‌شناسند به‌رنگهای گوناگون می‌زند، یکی را به رفض نسبت می‌کنند، و یکی را بدانکه خارجی است، و یکی را بدانکه معتزلی است، این فقیر را باری در سلک طایفه صوفی می‌کشند. (۲۲۴، اعتقادات)

دید تحلیل‌آمیز صائن‌الدین، حقا نسبی بودن اسامی یا عناوین محول بر اندیشه‌وران «کفر» را در جامعه به‌ما خبر می‌دهد. به‌قول او، چهره‌های واقعی مفهوم واژگانی مثل «زناده» یا «روافض»، «مجسمه»، «وجودی»، «شیعه»، «کریمی»، «معتزله» را باید در قرینه اجتماعی آن دنبال کرد. باید شناخت که این نوع دید اجتماعی تحلیل‌آمیز از نهاد یک اندیشه‌ور متمایل به عرفان ایجاد شده بود.

منابع:

۱. چهارده رساله فارسی از صائن‌الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی، صائن‌الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی، به تصحیح دکتر سید علی موسوی بهبهانی و دکتر سید ابراهیم دیباجی، ۱۳۵۱.
۲. عقل و عشق یا مناظرات خمس، صائن‌الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی، تصحیح و تحقیق اکرم جودی نعمتی، ۱۳۸۴.
۳. شرح نظم الدر (شرح قصیده تأیبه کبرای ابن فارض)، صائن‌الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی، تصحیح و تحقیق دکتر اکرم جودی نعمتی، ۱۳۸۴.
۴. «احوال و آثار صائن‌الدین ترکه اصفهانی»، دکتر سید علی موسوی بهبهانی، مجموعه سخنرانیها و مقاله‌ها درباره فلسفه و عرفان اسلامی، ۱۳۴۹.
۵. «دستور زبان عرفان یا عرفان دستور زبان»، نامه شهیدی، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، ۱۳۷۴، ۴۴۸-۴۲۷.
۶. رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، دکتر تقی پورنامداریان، ۱۳۸۳.
۷. «تأویل در مشوی»، قمار عاشقانه، عبدالکریم سروش، ۱۳۷۹، ص ۱۱۵-۱۳۸.
۸. حبیب‌السير، خواندمیر، جلد سوم، ۱۳۵۳، ص ۶۱۵-۶۱۷.
۹. مرصادالعباد، نجم رازی معروف به دایه، به اهتمام محمد امین ریاحی، ۱۳۶۶.